بررسی تجربه زندگی خوابگاهی در میان دانشجویان دختر با تأکید بر مشکلات آن‌ها[1]

حسین قدرتی[2]
فاطمه مقصود زاده[3]

چکیده

تحقیق حاضر باهدف بررسی مشکلات اجتماعی دانشجویان دختر با توجه به سبک زندگی خوابگاهی و مقایسه آن با رخداد آسیب در شرایط زندگی به همراه خانواده در سال ۱۳۹۷ انجام‌گرفته است. رویکرد پژوهش حاضر کیفی و روش تحلیل داده با کدگذاری نظری مبتنی بر نظریه زمینه‌ای است. نمونه آماری آن شامل ١٤ دانشجوی دختر ساکن در خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه حکیم سبزواری بوده که به شیوه نمونه‌گیری گلوله برفی هدفمند انتخاب شدند. به‌موازات نمونه‌گیری، تحلیل داده‌ها در بخش کیفی از همان نمونه اول آغاز شد و جمع‌آوری داده تا جایی ادامه یافت که اشباع نظری در خصوص سؤالات تحقیق حاصل گردید. داده‌های پژوهش حاضر از طریق مصاحبه‌های عمیق فردی و نیمه ساختاریافته جمع‌آوری گردیدند که برای ارزیابی روایی، دقت و پایایی این داده‌ها از معیار مقبولیت و همسانی استفاده‌شده است.

مطابق یافته‌های پژوهش، ۸ مقوله: برچسب‌های اجتماعی در محل زندگی، هنجارهای کنترلی خانواده، محدودیت‌های محیطی، عدم استقلال و نداشتن آزادی عمل، تناقض سنت‌ها باارزش‌های جامعه امروزی، تضاد عقاید با اعضای خانواده، فاصله‌گیری از خود واقعی، طبیعی شدن آسیب‌های اجتماعی به‌عنوان مشکلات زندگی خوابگاهی جمع‌بندی شد. مفاهیم استخراج‌شده نشان می‌دهد که سبک زندگی خوابگاهی پیامدهای مثبتی در ابعاد فردی برای این دانشجویان دختر به همراه داشته است ازجمله: افزایش استقلال فردی در زندگی خوابگاهی، مدیریت هزینه‌های

---

[1] مقاله برگرفته از پژوهشی آزاد و مربوط به سال ۱۳۹۷. مطالعه موردی: دانشجویان دختر خوابگاه‌های دانشگاه حکیم سبزواری

[2] دانشیار گروه مطالعات اجتماعی، مرکز پژوهشی علوم جغرافیایی و اجتماعی دانشگاه حکیم سبزواری، نویسنده مسئول، پست الکترونیک: hosseineghodrati@gmail.com

[3] دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه حکیم سبزواری، پست الکترونیک: Fatemehmaghsodzadeh15@gmail.com

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1398.11.2.2.4]

اقتصادی، بالا رفتن قدرت درک و مدارا، بهبود تعاملات اجتماعی. مقوله هسته‌ای پژوهش مدیریت خود در شرایط متناقض است.

به‌طورکلی نتایج تحقیق بیان‌گر این است که آزادی و استقلال عمل افراد در زندگی خوابگاهی بیشتر از زمانی است که به همراه خانواده زندگی می‌کنند و اکثر دانشجویان علی‌رغم وجود مشکلات زندگی خوابگاهی، این سبک زندگی را بر زندگی به همراه خانواده ترجیح می‌دهند.

واژگان کلیدی: زندگی خوابگاهی، دانشجویان، مشکلات اجتماعی

مقدمه

یکی از مسائل مهم و نیازهای اساسی جامعه امروز ادامه تحصیل، رشد و ارتقای علمی افراد جامعه است که جوانان مستعد و تلاش‌گر را به‌سوی خود جذب کرده است. دانشگاه‌ها در مراکز شهرهای بزرگ قرار دارند و دانشجویان چاره‌ای جز ترک شهر و منطقه بومی خود ندارند و باید در خوابگاه‌های پیش‌بینی‌شده ساکن شوند این انتخابِ اجباری باعث آشنایی آن‌ها بافرهنگ‌های مختلف می‌شود (فروتن، ۱۳۸۹).

خوابگاه‌های دانشجویی به‌عنوان یک فضای فیزیکی، بخش محدودی از دانشگاه را به خود اختصاص داده است که برای سکونت، آرامش و تأمین بهداشت روانی دانشجویان به همراه بهره‌مندی از سایر امکانات فرهنگی، رفاهی، فوق‌برنامه، تربیت‌بدنی، مشاوره و راهنمایی، کتابخانه، امور تغذیه و بهداشت و درمان در نظر گرفته‌شده است و کلیه مقررات انضباطی واداری دانشگاه در آن حاکم است. همچنین با در نظر گرفتن این حقیقت که اهمیت خوابگاه در محدوده وظایف اجتماعیِ تعلیم و تربیت است، خوابگاه‌های دانشجویی باید ب قانونمند و دارای شرایط و خصوصیات مطلوبی باشند تا دانشجو از عهده ایفای نقش خود در اجتماع به‌خوبی برآید (کریم پور فرد، ۱۳۸٦). در خوابگاه‌ها، کنترل قلمرو مکانی با میزان رضایت ساکنان در ارتباط است. ایجاد قلمروهای مجزا برای دو دانشجوی هم‌اتاق، به‌سادگی ممکن نیست زیرا اثاثیه اتاق‌ها به‌گونه‌ای تثبیت می‌شود که دسترسی به حوزه‌های مختلف اتاق را غیرقابل‌کنترل می‌سازد و در این نوع زندگی جمعی روشن نیست که هر حوزه فضایی متعلق به کدام‌یک از ساکنان اتاق است (سامر[1]، ۱۹۷٤). بچیل[2] معتقد است گاهی ازدحام بیش‌ازحد قلمروهای مکانی تضاد رفتاری ایجاد می‌کند،

[1] Sommer
[2] Bechtel

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1398.11.2.2.4]

به این معنا که تعداد افراد هر اتاق باید با الگوی جاری رفتاری تناسب داشته باشند و هر فرد باید فضای شخصی، کافی و دلخواه خود را در اختیار داشته باشد (بچل، ۱۹۹۷).

دانشجویان در طی دوران تحصیل نیازهای متفاوتی دارند؛ مسکن از بنیادی‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود. دلیل اهمیت مسکن به‌طور عام و خوابگاه دانشجویی به‌طور خاص، این است که می‌تواند احساس امنیت ایجاد کند و خوابگاه‌ها غالباً مکان امن‌تری نسبت به مسکن شخصی برای دانشجویان محسوب می‌شوند (سعیدی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۹:٤٤). به‌طورکلی خوابگاه باید به لحاظ فیزیکی مکان مناسبی باشد و بتواند موقعیت‌های مناسبی را جهت رشد فردی و اجتماعی دانشجویان فراهم آورد (استردا[1] و همکاران، ۲۰۰۸). خوابگاه در پیشرفت تحصیل و استقرار زندگی دانشجویی اثرگذار است، اما اگر این سرپناه نتواند به‌اندازه کافی رضایت‌بخش باشد، نخواهد توانست حس موفقیت و مسئولیت‌پذیری در کسب دانش را برای دانشجویان به همراه داشته باشد (سعیدی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۹:٤٤).

بخشی از دانشجویان شرایط جدید را به‌طور کامل درک کرده و سعی بر آن دارند که خود را با آن تطبیق دهند. آن‌ها از زندگی جدید به‌عنوان یک فرصت استفاده می‌کنند. طبیعتاً این امکان نیز وجود دارد که برخی از دانشجویان دچار مشکلات و آسیب‌های خاص این سبک از زندگی شوند. ازآنجایی‌که حساسیت دختران در مقایسه با پسران بیشتر است، وجود این مشکلات به‌مراتب برای آنان سخت‌تر خواهد بود. همچنین دختران در فرهنگ ایرانی با محدودیت‌های محیطی بیشتری در جامعه نسبت به پسران روبرو هستند و درنتیجه ممکن است زمان بیشتری را در محیط خوابگاه بگذرانند، کمتر به فعالیت‌های جانبی سرگرم‌کننده به‌جز مطالعه مطالب درسی بپردازند و به علت صرف زمانِ بیشتر در محیط خوابگاه، مشکلات بیشتری را تجربه کنند. درواقع برنامه‌ها و فضاهای فراغتی موجود در اغلب خوابگاه‌ها برای دختران بسیار محدودتر است. به نظر می‌رسد دختران جوان، نیازمند برنامه‌های فراغتی بیشتری نسبت به پسران هستند که در صورت عدم وجود چنین برنامه‌هایی، با مشکلات و آسیب‌های زندگی خوابگاهی بیشتری روبرو خواهند شد (نوری و همکاران، ۱۳۹۲).

اغلب مشکلات اجتماعی را وضعیت‌های اجتماعی تعریف می‌کنند که به جامعه آسیب می‌زند؛ اما درک و فهم موضوع بر اساس تعریف یادشده چندان‌که در ابتدا به نظر می‌رسد آسان نیست، چراکه مفهوم آسیب‌زا بودن، وضوح و روشنی لازم را ندارد. به‌علاوه ازآنجاکه مسائل اجتماعی بسیار متنوع بوده و مشکلاتی چون فقر، بیکاری، اعتیاد، طلاق، خشونت و کودک‌آزاری را در برمی‌گیرند، توافق نمودن بر سر مصادیق مشکلات اجتماعی، دشوار است. از سوی دیگر هنگامی‌که از مشکلات، آسیب‌ها یا انحرافات اجتماعی نام‌برده می‌شود مهم‌ترین وجه موردتوجه این

[1] Estrada, Gomez, Maniti, Polliente & Reynoso

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.2008800.1398.11.2.2.4]

است که تفکیک بین جنبه‌های فردی و اجتماعی مشکلات و آسیب‌ها، بسیار دشوار است. به‌طورکلی مفهوم مشکل اجتماعی، مفهومی نسبی است (رفیعی و همکاران، ۱۳۸۰). آنچه در خصوص مشکلات اجتماعی کمتر جای بحث و بررسی دارد و از اغلب دیدگاه‌های موردبررسی تأییدشده است، پذیرش مشکلات اجتماعی به‌عنوان وضعیت‌هایی است که باارزش‌ها و هنجارهای تعداد قابل‌توجهی از افراد هر جامعه در تعارض هستند و علاوه بر مشکل‌زایی، اکثریت افراد جامعه خواستار اصلاح و برطرف کردن آن هستند.

محیط، نقش اساسی در شکل‌گیری احساس، ارزش‌ها و توانمندهای افراد دارد. زندگی در شرایط دور از زادگاه، شهر و خانواده نیز می‌تواند آسیب‌های متعددی را برای دانشجویان به همراه داشته باشد. زندگی خوابگاهی آزادی و استقلال عمل زیادی به فرد می‌دهد. بازخورد این مسئله که فرد چگونه از این آزادی استفاده می‌کند، می‌تواند کارکردهای مثبت و منفیِ مختلفی را ایجاد کند. به‌عنوان‌مثال این استقلال عمل ممکن است زمینه‌های پیشرفت و ترقی برای افراد ایجاد کند. افراد ساعات زیادی را در خوابگاه‌ها کنار هم می‌گذرانند و بسیاری از مسائل روزمره را باهم تجربه می‌کنند. این سبک زندگی باعث آشنایی فرد با افراد، فرهنگ‌ها، قومیت‌ها و خلق‌وخوهای مختلف می‌شود. رابطه‌ی دوستی و جایگاه دوست در سبک زندگی خوابگاهی، پررنگ‌تر از زمانی است که فرد همراه خانواده زندگی می‌کند. دانشجویان با ورود به خوابگاه، از محیطی که سال‌ها در آن زندگی کرده‌اند جدا می‌شوند و در محیط جدید و متفاوتی قرار می‌گیرند. برخورد با انسان‌های جدید باعث شکل‌گیری روابط و تجربه‌های جدیدی می‌شود و به‌تبع آن باعث ظهور و بروز آسیب‌های اجتماعی متفاوتی می‌گردد.

زندگی برای دانشجویان در شرایط خوابگاه و بدون خانواده در شهرهای دور از محل زندگی، معمولاً مشکلاتی را ایجاد می‌کند. دانشجویان جوان به‌ویژه دختران با تمام روابط عاطفی و معنوی در حساس‌ترین سال‌های زندگی، از خانواده جدا می‌شوند تا برای ادامه تحصیل به دانشگاه بپیوندند. ازاین‌رو شناخت مشکلات و آسیب‌های زندگی دانشجویی از جنبه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی، ضروری و مهم به نظر می‌رسد.

بنابراین پژوهش حاضر به شناسایی مشکلات و آسیب‌های زندگی دانشجویان دختر ساکن در خوابگاه‌های دانشگاه حکیم سبزواری پرداخته است. ازاین‌رو، پرسش اصلی پژوهش این‌گونه مطرح می‌شود که؛ مهم‌ترین مشکلات و آسیب‌های دانشجویان دختر که در خوابگاه‌ها زندگی می‌کنند، چیست؟

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1398.11.2.2.4]

مبانی نظری

نظریه‌های عمومی جامعه‌شناسی

می‌توان در چارچوب نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسی به مسائل اجتماعی پرداخت. بر اساس نظریه کنش متقابل نمادین که ریشه درروان شناسی اجتماعی مید و کولی دارد، رفتار اجتماعی انسان اعم از بهنجار یا نابهنجار، بر اساس یک عمل دوجانبه و متقابل به وجود می‌آید. نظریه کنش متقابل، مسائل اجتماعی را محصول اجتماعی نابهنجاری‌هایی می‌داند که در روابط متقابل فرد با جامعه و اطرافیانش نمود پیدا می‌کند. به‌طورکلی فرد و جهان اجتماعی، فرا گردهای ساختاری و ایستا نیستند و در فرآیند کنش متقابل دائماً بازسازی می‌شوند. در نظریه کنش متقابل نمادین، کنشگران حین کنش اجتماعی، در فرا گردی از نفوذ متقابل قرار می‌گیرند و امیدوارند که نمایش آن‌ها اطرافیانشان را وادارد تا داوطلبانه واکنش نشان دهند و به‌دلخواه آن‌ها عمل کنند (ریتزر، ۲۸۶:۱۳۸۲).

در رویکرد روش‌شناسی مردم نگارانه، ذهن عنصری فعال و خلاق است که تصویرهای دیگران از موقعیت را درمی‌یابد و آن‌ها را تفسیر می‌کند و درنتیجه تصمیم می‌گیرد که چگونه عمل کند. در این دیدگاه، تفسیر هنجار و هنجارشکنی وابسته به رویکرد وضع‌کنندگان، نقض‌کنندگان و اجراکنندگان هنجارها است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۳۱).

دورکیم[1] (۱۹۹۳) علت همه رفتارهای غیرعادی را در محیط اجتماعی می‌داند، ازنظر وی کج‌رفتاری باعث افزایش همبستگی گروهی می‌شود (ممتاز، ۱۳۸۱: ۵۸). در نظریه انتقال فرهنگی، ساترلند[2] (۱۹۳۹) معتقد است برخی محیط‌های اجتماعی معمولاً مشوق فعالیت‌های غیرقانونی هستند، درصورتی‌که محیط‌های دیگر چنین نیستند و افراد از طریق ارتباط با دیگران که حامل هنجارهای تبهکارانه هستند، تبهکار یا بزهکار می‌شوند. این مضمون بیانگر اصطلاح «یار بد» است (گیدنز، ۱۴۰:۱۳۸۷).

هیرشی[3] (۱۹۶۹) از اندیشمندان دیدگاه نظارت اجتماعی[4] معتقد است کج‌رفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف باشد و یا گسسته شود. هرچه افراد، کمتر وابسته، متعهد، درگیر و معتقد باشند، پیوندشان با جامعه سست‌تر و احتمال کج‌رفتاری بیشتر خواهد بود (ممتاز،۱۳۸۱: ۱۱۹). نای[5] (۱۹۸۶). او معتقد است که خانواده

[1] Durkheim
[2] Sutherland
[3] Hirschi
[4] social control theory
[5] Nye

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.2008800.1398.11.2.2.4]

از طریق نظارت درونی، نظارت مستقیم و غیرمستقیم و ارضای نیازهای فرد، باعث تقویت پیوند اجتماعی می‌گردد. افراد میزان همنوایی یکسانی با جامعه ندارند؛ مشکل در خانواده شروع می‌شود، در مدرسه ادامه پیدا می‌کند و در محل کار خاتمه می‌یابد (ممتاز ۱۳۸۱: ۱۲۲).

بر اساس نظریه دل‌بستگی، افراد در صورتی به تطابق اجتماعی دست می‌یابند که دل‌بستگی اولیه افراد به مراقبان خود بااحساس ایمنی همراه بوده باشد. فقدان دل‌بستگی موجب می‌شود که فرد احساس تنهایی و اضطراب کند و نوعی تضاد با اجتماع و محیط به وجود آید (لاجوردی، ۱۳۸۳: ۱۱۵-۱۱٤). در دیدگاه بی‌سازمانی خانوادگی ازنظر تامس[1] (۱۹۱۳) و زنانیکی[2] (۱۹۱۳)، اگر فرد در خانواده هیچ مانعی برای تمایلات فردگرایانه جدید خود نداشته باشد، این تمایلات را به صورتی عادی اظهار می‌کند و اگر فرد با مخالفت جدی مواجه شود و به‌اندازه کافی از بند نظام سنتی آزاد نشده باشد، پیامد آن خصومت و رفتار ضداجتماعی خواهد بود (رابینگتن و واینبرگ،۱۳۸۲: ۵۸-٦۰).

مرتن[3] (۱۹٦۸) معتقد است که ازهم‌گسیختگی میان آرزوها و اهداف فرهنگی معین و شیوه‌های ساختاری شده‌ی اجتماعی برای دستیابی به این اهداف، موجب نابهنجاری رفتارها در جامعه می‌شود. به عبارتی علت بی‌هنجاری در جامعه شکاف بین اهداف و وسایل کسب آن‌هاست و درنتیجه احساس محرومیتِ ناشی از آن باعث ضعف تعهدات فرد نسبت به اهداف یا وسایل و امکانات می‌گردد و فرد را در وضعیت بی‌هنجاری قرار می‌دهد (آقا بخشی، ۱۳۷۸: ۲۳-۳٤).

گافمن[4] (۱۹۵۹) در رهیافت نمایشی خود، از استعاره‌های صحنه و نمایش استفاده می‌کند. رویکرد نمایشی در کار گافمن به معنای درک دیگری استفاده می‌شود: افراد بازیگرانی هستند که دست به اجرای کنش‌های نمایشی اغلب گول‌زننده می‌زنند تا نیت‌هایشان را محقق کنند. به عقیده وی هر کنش متقابلی یک جلوصحنه دارد که با جلوصحنه اجرای تئاتر شباهت دارد. همچنین در هر دو مورد، یک پشت‌صحنه وجود دارد که در آن بازیگران می‌توانند خودشان باشند و از نقش خود خارج شوند (ریتزر، ۱۳۸۳: ۹٤).

[1] Thomas
[2] Znaiki
[3] Merton
[4] Goffman

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1398.11.2.2.4]

نظریه‌های مرتبط با مسائل و آسیب‌های اجتماعی

به‌طورمعمول مشکلات اجتماعی را وضعیت‌های اجتماعی تعریف می‌کنند که برای جامعه آسیب‌زننده‌اند؛ اما درک موضوع بر اساس تعریف یادشده چندان‌که در ابتدا به نظر می‌رسد آسان نیست، چراکه مفهوم آسیب‌زا بودن وضوح و روشنی کافی ندارد. به‌علاوه ازآنجاکه مسائل اجتماعی بسیار متنوع بوده و مشکلاتی چون فقر، بیکاری، اعتیاد، طلاق، خشونت، کودک‌آزاری و مانند این‌ها را دربر می‌گیرند توافق نمودن بر سر مصادیق مشکلات اجتماعی، دشوار می‌نماید. از سوی دیگر هنگامی‌که از مشکلات، آسیب‌ها یا انحرافات اجتماعی نام‌برده می‌شود با مجموعه‌ای از سختی‌ها و آلام انسانی روبه‌رو می‌شویم که تمایز بین جنبه‌های فردی و اجتماعی آن‌ها بسیار دشوار می‌باشد.

چالش دیگر در این بحث، «نسبی» بودنِ مفهوم مشکل اجتماعی در ارتباط با اشخاص، زمان، مکان و فرهنگ جوامع است. مشکلات اجتماعی دارای دو بعد عینی و ذهنی هستند؛ یعنی مشکلات اجتماعی هم عینی و قابل‌مشاهده‌اند و هم نگرشی و مرتبط با ذهنیت هستند. به‌عنوان‌مثال فقر، خشونت خانگی و رشوه‌خواری همگی دارای ابعاد عینی بوده، از تعامل میان افراد، گروه‌ها و دیگر عناصر اجتماعی ایجاد می‌شوند و سبب رنج مادی یا روانی بخش قابل‌توجهی از جامعه می‌گردند؛ اما از سوی دیگر به لحاظ تنوع در ذهنیت افراد، زمینه‌های فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعیِ آن‌ها، طرز تلقی افراد از «مشکل» تلقی شدن این مسائل با یکدیگر، متفاوت است (رفیعی، ۱۳۸۰). از سویی هنگامی‌که برای تعیین مصادیقِ مشکلاتِ اجتماعی به افکار عمومی رجوع می‌شود این قضاوت می‌تواند تحت تأثیر تلقی‌های ارزشی «سازندگان افکار عمومی» قرار گیرد که به‌گونه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم و با استفاده از قدرت و ثروت خود، دیدگاهی را در لایه‌های جامعه بسط می‌دهند. به همین دلیل خطر صحه گذاشتن بر نابرابری‌ها یا سایر مشکلاتی که خود معلول نظام غیرعادلانه‌اند، همواره وجود دارد (رابینگتن،۱۳۸۲:۱۳).

نکته قابل‌توجه دیگر در مورد مشکلات اجتماعی آن است که مشکلات اجتماعی، اموری ثابت نیستند بلکه دائماً در حال تغییر و تحول‌اند. آنچه در یک‌زمان مشکل اجتماعی تلقی می‌شود، ممکن است در زمان و مکانی دیگر مشکل اجتماعی لحاظ نگردد. به عبارتی مشکل اجتماعی مفهومی وابسته به هنجارها و ارزش‌های زمانه خود است که با تغییر این هنجارها در طول زمان تغییر می‌یابد. افزایش جمعیت، آلودگی هوا، ترافیک شهری و آلودگی به ویروس HIV[1]، همگی مشکلاتی هستند که در دو یا سه دهه اخیر در کشور ما بروز و ظهور یافته‌اند و پیش از آن هیچ‌یک از سوی جامعه به‌عنوان مشکل اجتماعی تلقی نمی‌شده‌اند (رفیعی، ۱۳۸۷).

[1] Human immunodeficiency virus

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.2008800.1398.11.2.2.4]

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های متعددی در مورد مشکلات و مسائل دانشجویان خوابگاهی صورت گرفته است. این مسئله موردتوجه محققان در رشته‌های مختلف بوده است که در ادامه به برخی از تحقیقات انجام‌شده اشاره می‌شود.

در پژوهشی (نادرنژاد و همکاران، ۱۳۹۱) به "شناسایی آسیب‌های اجتماعی دانشجویان دختر خوابگاهی با تأکید بر استفاده آنان از شبکه‌های اجتماعی" با رویکرد کیفی پرداختند. نتایج تحقیق در سه حوزه مشکلات فردی، محیطی و شبکه، طبقه‌بندی شد. نتایج نشان داد که مشکلات بی‌خوابی افراد (۷۵٪) و نارضایتی از تعداد دانشجوی هر اتاق (۷۰٪) بوده است. در این تحقیق بر وجود ارتباط میان شبکه‌های اجتماعی با کمبود خواب و بروز مشکلات و اعتقاد کاربران به تضعیف مسائل اخلاقی در رابطه با این شبکه‌ها، تأکید گردیده است.

نتایج پژوهش (زائر و محمدی، ۱۳۹۲) با عنوان "مشکلات اجتماعی-تحصیلی دانشجویان دختر (۲۹-۱۸ ساله) ساکن خوابگاه دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۱۲ از دید خود دانشجویان" نشان داد بین معدل، مشروط شدن، شهر محل خوابگاه، شهر محل سکونت والدین و تراکم افراد در خوابگاه با مشکلات اجتماعی- تحصیلی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

مطالعه (ستار، ۱۳۹۵) با عنوان "چالش‌های زندگی دانشجویی در خوابگاه‌های خودگردان در شهر تهران" حاکی از آن است که خوابگاه‌های خودگردان با چالش‌هایی مواجه‌اند ازجمله نداشتن حریم خصوصی ساکنین به دلیل ازدحام و تراکم جمعیت، شلوغی و سروصدا، نزاع و درگیری دانشجویان بر سر مسائل مختلف، عدم تعلق به خوابگاه، گرایش به رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد و مصرف انواع مواد مخدر.

مطالعه (انواری، ۱۳۹۷) در بررسی "حس تعلق به خوابگاه؛ مطالعه موردی دختران دانشگاه‌های دولتی شهر تهران" نشان می‌دهد به دلیل نداشتن حریم خصوصی، مشکل در ایجاد و برقراری ارتباط با مسئولان و هم‌اتاقی‌ها و محدودیت‌های ناشی از قوانین خوابگاه، حس تعلق به خوابگاه در بسیاری از دانشجویان پایین است

نتایج پژوهش (رفعت جاه و رضایی، ۱۳۹۷) با عنوان "تحلیلی بر هویت فرهنگی دانشجویان دختر ساکن خوابگاه" نشان داد که ازنظر هویت فرهنگی، دختران مذهبی با انسجام هویتی بیشتر و چالش‌های هویتیِ کمتری مواجه‌اند. به‌علاوه دختران غیرمذهبی، واجدِ حس تعلق پایین به خوابگاه، انسجام هویتیِ کمتر و گرایش بیشتری به هویت جنسیتی مدرن دارند.

نتایج تحقیق (سراج زاده و حبیب پورگتابی، ۱۳۹۷) در بررسی "کیفیت زندگی خوابگاهی دانشجویان دختر دانشگاه‌های دولتی ایران" نشان می‌دهد در بُعد اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی برای دختران، بیشتر مربوط به امر

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1398.11.2.2.4]

جنسی و از نوع روابط دوستی می‌باشد (رابطهٔ دوستی، رابطهٔ جنسی و پارتی). به‌طورکلی رضایت دانشجویان از کیفیتِ ذهنی زندگی خوابگاهی، چه در شکل شهودی و چه در شکل منطقی آن، پایین بوده است و دانشجویان از دامنه زمانی رفت‌وآمد در خوابگاه ناراضی بودند.

مطالعه (عطایی و میر حیدری، ۱۳۹۸) با عنوان "آسیب‌شناسی عوامل اجتماعی سکونت در سرای دانشجویی" نشان داد که فرصت‌های ناشی از زندگی خوابگاهی بیشتر از تهدیدهای آن است. همچنین بر اساس نتایج این تحقیق، تفاوت معنی‌داری در نمرات فرصت‌ها و تهدیدهای اجتماعی در خوابگاه دانشجویی برحسب مدت اقامت خوابگاه، مسافت منزل تا خوابگاه، مذهب، رشته تحصیلی، نوع محل زندگی، تحصیلات پدر و مادر، شغل پدر و مادر و میزان درآمد، وجود ندارد.

نتایج پژوهش (پاشایی ۱۳۹۸) با عنوان "آسیب‌های سبک زندگی دانشجویی و راهکارهای برون‌رفت از آن‌ها " نشان داد سبک زندگی دانشجویی در ایران بازنمودی از سبک زندگی مردم این سرزمین است. نتایج این تحقیق بیانگر وجود آسیب‌هایی همچون شعار محوری، فردگرایی، مصرف‌گرایی، داشتن فکر کوتاه‌مدت و نگاه تجمل محور در سبک زندگی دانشجویی است. به نظر محقق این آسیب‌ها را می‌توان با آموزش تفکر وزندگی جمعی، تشویق به کتاب خواندن و گفتگو کردن، رعایت حقوق دیگران و تغییر نگرش به لذت‌گراییِ موجود، برطرف کرد.

مطالعات (ابی[1] و همکاران ۱۹۹۸) در بررسی "تأثیر یک برنامه همسان بر دانشجویان ملل مختلف" حاکی از آن است که دانشجویانی که از کشورهای آسیایی به امریکا آمده‌اند به دلیل دوری از کشور، خانواده، ناآشنائی با زبان، وجود تضاد فرهنگی – اجتماعی و تفاوت در علایق اجتماعی، به‌مراتب در خوابگاه با مشکلات اجتماعی بیشتری مواجه می‌شوند.

نتایج پژوهش (اویریت و لوفتوس[2]، ۲۰۱۱) با عنوان "مسئولان خوابگاه به‌عنوان مجریان قانون: تعارض نقش" نشان داد مسئولان با دانشجویان مقطع کارشناسی ارتباط دوستانه داشتند اما زمانی که قوانین خوابگاه توسط ساکنان خوابگاه نقض شده و تخلفاتی اتفاق می‌افتد، بین مسئولان و دانشجویان ساکن خوابگاه تعارض روی می‌دهد و از سوی مسئولان برخورد جدی صورت می‌گیرد.

بر اساس آنچه گفته شد، محققان هریک در حوزه تخصصی خود به‌طور جداگانه به بررسی مشکلات و مسائل محیطی، روانی و خوابگاهی دانشجویان غیربومی پرداختند؛ اما پژوهش حاضر تلاش می‌کند با استفاده از رویکرد

[1] Abe, Talbot & Geelhoed
[2] Everett & Loftus

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.2008800.1398.11.2.2.4]

کیفی به درک عمیق و زمینه مندی از مشکلات زندگی خوابگاهی و مقایسه آسیب‌های اجتماعی سبک زندگی خوابگاهی وزندگی با خانواده، از دید دانشجویان دختر بپردازد. به عبارتی تاکنون پژوهشی در مورد تجربه دختران دانشجو از زندگی خوابگاهی در مقایسه بازندگی در خانواده، صورت نگرفته است و طبیعتاً با توجه به ماهیت این موضوع و هدف آن، رویکرد روش‌شناختی مناسب، رویکرد کیفی است. این مسئله از این حیث واجد اهمیت و درخور بررسی است که خانواده به‌عنوان یک‌نهاد سنتی و دانشگاه به‌عنوان یک‌نهاد مدرن، ارزش‌های متفاوت و گاهی متضادی را به نمایش می‌گذارند که می‌تواند برای دختران دانشجو، تجربه خاص و تناقض‌آمیزی را به همراه داشته باشد.

سؤال‌های پژوهش

سؤال اصلی

مهم‌ترین مشکلات و آسیب‌های دانشجویان دختر در خوابگاه‌ها چیست؟

سؤال‌های فرعی

آیا استقلال عمل و دوری از خانواده منجر به آسیب اجتماعی می‌شود؟

علل ترجیح زندگی خوابگاهی توسط دانشجویان دختر به زندگی به همراه خانواده چیست؟

پیامدهای زندگی خوابگاهی برای دانشجویان دختر چیست؟

و درنهایت چه پیشنهادهایی برای کاهش مشکلات و آسیب‌های زندگی خوابگاهی می‌توان ارائه کرد؟

روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از رویکرد کیفی انجام‌شده است و روش مورداستفاده نیز روش نظریه زمینه‌ای است. نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی معطوف به هدف انتخاب‌شده‌اند و معیار کفایت داده‌ها اشباع نظری است. جامعه آماری تحقیق کلیه دانشجویان ساکن خوابگاه دانشگاه حکیم سبزواری است. داده‌ها از طریق مصاحبه انفرادی با ١٤ مورد از دانشجویان دختر ساکن خوابگاه جمع‌آوری‌شده است. روایی تحقیق با نظر متخصصان علوم اجتماعی، روایی صوری است. بدین معنا که از نظرات اساتید، جهت کفایت تجزیه‌وتحلیل داده‌ها و دست یافتن به مفاهیم و مقولات برآمده از متن استفاده گردید و در تمامی مراحل تجزیه‌وتحلیل، نظرات آن‌ها اخذ، بررسی و اعمال گردید.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1398.11.2.2.4]

برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها، سه روش کدگذاریِ باز[1]، محوری[2] و گزینشی[3] به کار گرفته شد. در راستای اعتمادپذیری، مصاحبه حضوری بااطلاع و اجازه‌ی مشارکت‌کنندگان ضبط گردید سپس تمامی فایل‌های صوتی به‌صورت مکتوب پیاده‌سازی گردید.

کدگذاری نظری روشی است برای تحلیل داده‌هایی که به‌منظور تدوین یک نظریه به روش نظریه‌پردازی داده محور گردآوری‌شده است. مراحل اجرای کد گزاری نظری در پژوهش حاضر شامل سه مرحله گذاری باز، محوری و گزینشی است. در ابتدا مفاهیم و کدهای باز از مصاحبه‌ها استخراج شد، سپس این کدهای باز با توجه به مفاهیم و مضامین مشترک به روش کدگذاری محوری، مقوله‌بندی شدند و درنهایت کدهای بی‌ارتباط با اهداف تحقیق حذف شدند و با توجه به مقولات استخراج‌شده مقوله هسته‌ای انتخاب شد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش به‌مرور یافته‌های پژوهش و تحلیل داده‌هایی که از طریق کدگذاری نظری حاصل‌شده است، پرداخته می‌شود. در چارچوب مدل پارادایمی، تمامی یافته‌ها معنای یکدست و منسجمی می‌یابند به‌طوری‌که این یافته‌ها در قالب شرایط، استراتژی‌ها و درنهایت پیامدها ارائه می‌گردند.

مقولات استخراج‌شده از مصاحبه‌ها شامل ۱۳ مقوله به شرح زیر است: ۱. مقوله برچسب‌های اجتماعی محل زندگی که شامل مفاهیم: تحت تأثیر محیط دانشگاه قرار گرفتن، قضاوت برحسب ظاهر، پشت سر خانواده حرف زدن. ۲. مقوله اطاعت مطلق از پدر و مادر شامل مفاهیم: هنجارهای کنترلی خانواده، هماهنگ و هم سو بودن با اعضای خانواده، زمان و مکان رفت‌وآمد. ۳. مقوله محدودیت‌های محیطی شامل مفاهیم: منفی دانستن رابطه با جنس مخالف، منفی دانستن گفت‌وگو با پسرهای فامیل، رعایت نکردن حدومرزها با نامحرم. ٤. مقوله نبود آزادی عمل و استقلال شامل مفاهیم: عدم هماهنگی با خانواده در زمان صبحانه، ناهار و شام، عدم آزادی در انتخاب لباس، عدم هماهنگی با خانواده در زمان خواب. ۵. مقوله تناقض سنت‌ها با جامعه امروزی شامل مفاهیم: تغییر در تعاریف (دختر خوب/پسر خوب، زن مطلقه)، تغییر باورهای سنتی مربوط به ازدواج، تغییر در الگوی های ازدواج. ٦. مقوله تضاد عقیده با اعضای خانواده شامل مفاهیم: تضاد عقیده در انتخاب دوست، تضاد عقیده در باورهای دینی، تضاد عقیده در سبک زندگی. ۷. مقوله فاصله‌گیری از خود واقعی شامل مفاهیم: رعایت ادبیات حرف زدن در محیط خانواده، در نظر

[1] open
[2] axial
[3] selective

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.2008800.1398.11.2.2.4]

نگرفتن علایق خود در محیط خانواده، در نظر نگرفتن احساسات خود به خاطر حرف دیگران. ۸. مقوله افزایش استقلال در خوابگاه شامل مفاهیم: آزادی در انتخاب دوست، نوع پوشش (چادری/مانتویی)، آزادی دررفت و آمد. ۹. مقوله مدیریت هزینه شامل مفاهیم: در جریان بازار و امور اقتصادی قرار گرفتن، باارزش شدن پول، قدرشناسی از خانواده بابت حمایت مالی. ۱۰. مقوله بالا رفتن قدرت درک و مدارا شامل مفاهیم: درک بهتر و دقیق‌تر از جنس مخالف، انتقادپذیری نسبت به گذشته، کنار آمدن با دیگران و مشکلات. ۱۱. مقوله بهبود تعاملات شامل مفاهیم: افزایش تعاملات با خانواده، افزایش تعاملات با محیط و آدم‌های اطراف، افزایش اعتمادبه‌نفس. ۱۲. مقوله طبیعی شدن آسیب‌های اجتماعی شامل مفاهیم: عادی شدن رابطه با جنس مخالف، عادی شدن قلیان، سیگار و.. عادی شدن گفت‌وگو با دوستان از روابط جنسی. ۱۳. مقوله مشکلات زندگی خوابگاهی شامل مفاهیم: کم‌خوابی، بی‌نظمی ناشی از زندگی خوابگاهی، محدودیت رفت‌وآمد در خوابگاه، وابستگی به فضای مجازی، صدمه روحی و عاطفی ناشی از فضای مجازی، دغدغه‌ها و مسئولیت‌های زیاد زندگی خوابگاهی، تأثیر منفی هم‌اتاقی بر خلقیات و نمرات ترم.

مقوله هسته‌ای

مقوله هسته‌ای این تحقیق، «مدیریت خود در شرایط متناقض» است. از مجموع مقولات و نقل‌قول‌های استنتاج می‌شود که دانشجویان خوابگاهی فشار مضاعفی را برای انطباق زندگیِ خوابگاه با شرایط زندگی در محل سکونت متحمل می‌شوند. تفاوت در دو سبک زندگیِ متفاوت و گاهی متضاد، نیازمند مدیریت خود در شرایط متناقض است. ارزش‌ها و ضد ارزش‌های مختلف در محیط خوابگاه و انطباق فرد با هویت قبل از تجربه زندگی خوابگاهی نیاز مبرمی به مدیریت خود دارد. مدیریت خود در شرایط متناقض تا حد زیادی با مفهومِ *خود* از نگاه روزنبرگ (۱۹۶۵) همسو است. روزنبرگ در تبیین *خود وانمودی* معتقد است، افراد در هر موقعیت، خود را به‌گونه‌ای نمایش می‌دهند که مطابق با همان محیط و موقعیت باشد (ریتزر، ۱۳۸۲: ۲۸۹). با تأکید روزنبرگ بر برداشت از خود، با تصور از محیط اجتماعی و فرهنگی محیط و در پی آن مدیریت خود در شرایط خوابگاه معنا پیدا می‌کند.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1398.11.2.2.4]

جدول ۱ – کدها و مقوله‌های حاصل از تجزیه‌وتحلیل داده‌ها

مقولات	کدها	نقل‌قول
برچسب‌های اجتماعی محل زندگی	تحت تأثیر محیط دانشگاه قرار گرفتن	«تو شهر خودمون چون محیط کوچیکه و همه هم دیگه رو میشناسن با کوچک‌ترین تغییر در ظاهر سریع پشت سر خانوادت حرف میزنن که دخترشونو فرستادن شهر غریب مثلاً درس بخونه!»
	قضاوت برحسب ظاهر	
	پشت سر خانواده حرف زدن	
هنجارهای کنترلی خانواده	اطاعت مطلق از پدر و مادر	«بنظرم لازم نیست از همه‌چیز باخبر باشن و ما هرچی پدر مادر میگن گوش کنیم چون ما دو نسل متفاوتیم با علایق متفاوت»
	هماهنگ و هم سو بودن با اعضا خانواده	
	زمان و مکان رفت‌وآمد	
محدودیت‌های محیطی	منفی دانستن رابطه با جنس مخالف	«بااینکه اونقدر دنیا عوض‌شده اما رابطه با جنس مخالف، بیرون رفتن با پسر، بگوبخندهای مختلط هنوزم تو فامیل ما غیرقابل پذیرشه.. موندم اینا کی میخوان تغییر کنن»
	منفی دانستن گفت‌وگو با پسرهای فامیل	
	رعایت نکردن حد مرزها با نامحرم	
نبود آزادی عمل و استقلال	عدم هماهنگی با خانواده در زمان خواب	«من هیچ‌وقت مهمونیهای خانوادگی رو دوست نداشتم و نخواهم داشت چون مامانم نمیزاره اون جوری که دوس دارم لباس بپوشم»
	عدم هماهنگی با خانواده در زمان صبحانه، نهار و شام	
	عدم آزادی در انتخاب لباس	
تناقض سنت‌ها با جامعه امروزی	تغییر در تعاریف (دختر خوب/پسر خوب، زن مطلقه)	«معیارهای من برای ازدواج ۱۸۰ درجه با خانوادم فرق می کنه...من اصلاً ازدواج سنتی دوست ندارم»
	تغییر باورهای سنتی مربوط به ازدواج	
	تغییر در الگوی های ازدواج	
تضاد عقیده با اعضا خانواده	تضاد عقیده در انتخاب دوست	«ازنظر من مسلمونی این نیست که نماز بخونی... من قبل دانشگاه نماز می خوندم ولی الآن نه. ازنظر خانوادم ملحد به نظر میام.. من اینجوری فک نمی‌کنم»
	تضاد عقیده در باورهای دینی	
	تضاد عقیده در سبک زندگی	
فاصله‌گیری از خود واقعی	رعایت ادبیات حرف زدن در محیط خانواده	«وقتی‌که خونه ام باید مواظب رفتارام، حرف زدن و شوخی باشم.. احساس می‌کنم دارم برای بقیه زندگی می‌کنم و خودم نیستم.. گاهی به لحن حرف زدنم و یا بعضی از تیکه کلام هام واکنش نشون میدن»
	در نظر نگرفتن علایق خود در محیط خانواده	
	در نظر نگرفتن احساسات خود به خاطر حرف دیگران	

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.2008800.1398.11.2.2.4]

مقولات	کدها	نقل‌قول
افزایش استقلال در خوابگاه	آزادی در انتخاب دوست، نوع پوشش (چادری/مانتویی)	«وقتی خوابگاهی حق انتخاب با خودته میتونی هفته‌ای ۱۰ بار بری کافه...هر وقت خواستی بری هر وقت خواستی بیای.. ممکنه این برای خیلی‌هایی که تو خانواده‌های آزادتر بزرگ شدن بی‌اهمیت باشه»
	آزادی در رفت‌وآمد	
مدیریت هزینه	در جریان بازار و امور اقتصادی قرار گرفتن	«از وقتی اومدم خوابگاه خیلی قدر پول رو میدونم و بیشتر از قبل حواسم به خرج و دخلم هست»
	باارزش شدن پول	
	قدرشناسی از خانواده بابت حمایت مالی	
بالا رفتن قدرت درک و مدارا	درک بهتر و دقیق‌تر از جنس مخالف	«زندگی خوابگاهی ایجاب میکنه خودتو با دیگران هماهنگ کنی و کوتاه بیای.. و گاهی بدی هاتو از زبون بقیه بشنوی»
	انتقادپذیری نسبت به گذشته	
	کنار آمدن با دیگران و مشکلات	
بهبود تعاملات	افزایش تعاملات با خانواده	«من اعتمادبه‌نفسم خیلی پایین بود حتی نمی تونستم پشت تلفن با یه مرد حرف بزنم و به اداره یا ارگانی زنگ بزنم و کارمو بگم»
	افزایش تعاملات با محیط و آدم‌های اطراف	
	افزایش اعتمادبه‌نفس	
طبیعی شدن آسیب‌های اجتماعی	عادی شدن رابطه با جنس مخالف	«انقضای روابط خوابگاهی چهارساله است. خیلی بعیده بعد دانشگاه ادامه‌دار بشه.. برا همین من به چند تا از دوستام میگم همه روابطمو میگم»
	عادی شدن قلیان، سیگار	
	عادی شدن گفت‌وگو با دوستان از روابط جنسی	
مشکلات زندگی خوابگاهی	کم‌خوابی	«مهم‌ترین دغدغه زندگی خوابگاهی برای من ساعت خوابه... واقعاً اینجا ساعت خوابم بهم میریزه»، «ساعت ۹ برای ورد برای ورود به خوابگاه خیلی زود...کاش حداقل ساعت ۱۰ بود..»
	بی‌نظمی ناشی از زندگی خوابگاهی	
	محدودیت رفت‌وآمد در خوابگاه	
	وابستگی به فضای مجازی	
	صدمه روحی و عاطفی ناشی از فضای مجازی	
	دغدغه‌ها و مسئولیت‌های زیاد زندگی خوابگاهی	
	تأثیر منفی هم‌اتاقی بر خلقیات و نمرات ترم	

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-03]

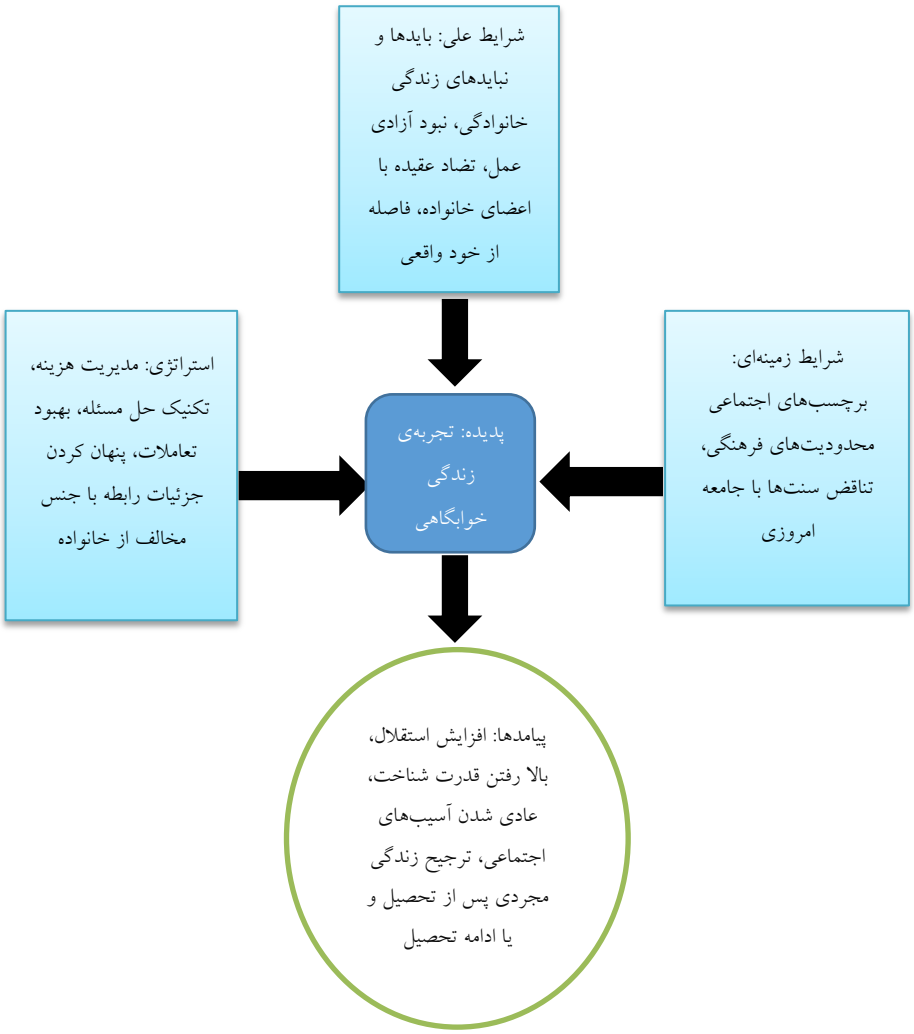
[DOR: 20.1001.1.20088000.1398.11.2.2.4]

مدل پارادایمی

مفاهیم و مقولات استخراج‌شده از یافته‌های پژوهش، تحت عنوان مدل پارایمی (شکل.۱) حول پدیده تجربه زندگی خوابگاهی جمع‌بندی شده است. لازم به ذکر است زندگی خوابگاهی ابعاد وسیعی دارد و محیط و قضاوت دیگران تأثیری زیادی بر نوع نگرش ما دارد کما اینکه افراد بسته به اعتقاد و فضایی که در آن تربیت‌شده‌اند در بحران‌ها و مشکلات زندگی رفتارهای متفاوتی نشان می‌دهند. در رابطه با دلایل و سبب‌شناسی چگونگی مدیریت خود در شرایط متناقض، لازم است در نظر داشته باشیم که تنها چند دلیل وجود نخواهد داشت. نمونه‌ای از اظهارات مشارکت‌کنندگان که از دو طریق، در پاسخ به سؤالات مستقیم پژوهشگر و یا در ضمن گفت گو و بدون اشاره مستقیمِ پژوهشگر استخراج‌شده است و به شرایط علی دلالت دارد، به‌صورت کلیدی در جدول ۱ آورده شده‌اند. مقصود از پیامدها، آن دسته از پیامدهای مثبت یا منفی است که دانشجویان با توجه به تجربه زندگی خوابگاهی با آن‌ها مواجه می‌شوند. ممکن است این‌چنین مشکلات و پیامدهایی که اشاره می‌کنیم برای همه دانشجویان و به یک‌میزان اتفاق نیفتاده باشد.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.2008800.1398.11.2.2.4]



شکل ۱ مدل پارادایمی

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1398.11.2.2.4]

نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان داد که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان در شهر محل سکونت پوشش چادر، اما در شهر محل تحصیل پوشش مانتو را انتخاب می‌کنند. این دوگانگی رفتاری به دلیل کنترل‌های اجتماعی در محل سکونت و آزادی و حق انتخاب بیشتر در شهر محل تحصیل است. اینجا با در نظر گرفتن نظریه گافمن (۱۹۵۹)، شهر محل سکونت، جلوصحنه و شهر محل تحصیل، پشت‌صحنه است. درواقع در پشت‌صحنه، خودِ واقعیِ بازیگر جریان دارد. با توجه به نظریه نمایشی، اغلب کنشگران سعی می‌کنند لذت‌های پنهانی‌شان را از چشم حضار پوشیده نگه‌دارند تا فاصله نقش حفظ شود. دانشجویان در خلال مصاحبه اشاره‌کرده‌اند که می‌کوشند خانواده ازآنچه در شهر محل تحصیل اتفاق می‌افتد باخبر نشود. آن‌ها همچنین بر آنند تا در شهر محل سکونت، مطابق هنجارهای عرف عمل کنند تا از برچسب خوردگی جلوگیری کنند. این بخش از یافته‌ها با نتایج تحقیق جاه‌طلب و رضایی (۱۳۹۷) تقابل دارد. لازم به ذکر است، پوشش چادر در محل سکونت، برای اکثرِ دانشجویان امری ارادی نیست و به خاطر فشارهای اجتماعی محیط است؛ بنابراین ملاک مذهبی بودن، پوشیدنِ چادر، رفتن به نماز جماعت و رفتارهای از این سنخ نیست و صرف مذهبی بودن به این معنا، منجر به کاهش چالش‌های محیطی نمی‌شود.

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که دانشجویان مورد مصاحبه به‌عنوان یک نسل جدید، بسیاری از باورها و عقاید نسل قبل (پدر و مادر) را تأیید نمی‌کنند و در بسیاری از موارد عقاید این دو نسل باهم در تضاد است. ازآنجایی‌که افراد در نظام خانوادگی باارزش‌های سنتی بزرگ‌شده‌اند، با ورود به محیط‌های جدید سعی دارند تمایلات و ارزش‌هایی را دنبال کنند که برای آن‌ها در اولویت است. در بسیاری از موارد والدین موانعی بر سر راه تمایلات فردی دانشجویان دختر هستند؛ این امر منجر به تنش در محیط خانه می‌شود. در نظریه بی‌سازمانی خانوادگی نیز تامس و زنانیکی (۱۹۱۳) معتقدند یکی از علت‌های اصلی بی‌سازمانی، نفوذ ارزش‌های جدید است ارزش‌هایی که در تضاد باارزش‌های نظام گذشته است. آن‌ها تأکید می‌کنند که اگر فرد در خانواده هیچ مانعی برای تمایلات فردگرایانه جدید نداشته باشد، این تمایلات به‌صورت عادی ظهور می‌کند و در بیشتر موارد منجر به رفتار ضداجتماعی نمی‌شود. چند تن از مصاحبه‌شوندگان نیز بیان کرده بودند که روابط خود با جنس مخالف را تا حدی با خانواده خود در میان می‌گذارند تا اطمینان حاصل کنند که موردپذیرش قرار می‌گیرد؛ اما اگر احساس کنند با مخالفت و واکنش آن‌ها مواجه می‌شوند شرح مسئله را بازگو نمی‌کنند همچنین در بحث انتخاب دوست، مصاحبه‌شوندگان بیان کرده‌اند که بسیاری از افرادی را که به‌عنوان دوست انتخاب می‌کنند، خانواده تأیید نمی‌کند و اغلب با سرزنش و نصیحت خانواده مواجه می‌شوند. بر اساس اظهارات مصاحبه‌شوندگان، فاصله ایجادشده منجر به ایجاد شکافی عمیق در روابط

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.2008800.1398.11.2.2.4]

عاطفی فرزندان با خانواده می‌شود. اغلب والدین در سن جوانی کمتر قادر به درک مسائل و افکار فرزندان خود هستند و چنانچه در جهت درک مسائل آن‌ها اقدامی نکنند همان‌طور که در ادامه عنوان می‌شود، فاصله ایجادشده، پیامدهای مخربی بر زندگی فرزندانشان در مقاطع زمانی مختلف به‌جای می‌گذارد.

بسیاری از نظریه پردازانِ رویکرد کج روی ازجمله مرتون (۱۹٦۸) مسئله اجتماعی را تخلف از انتظاراتِ بهنجار تلقی می‌کنند. در محل سکونتِ بسیاری از مصاحبه‌شوندگان، پوشیدنِ چادر یک رفتار بهنجار تلقی می‌شود. مصاحبه‌شوندگان اظهار می‌کردند که چون در شهرستان عموماً بانوان از پوشش چادر استفاده می‌کنند، اگر آن‌ها پوششی به‌غیراز چادر داشته باشند نوعی بی‌هنجاری محسوب می‌شود. همچنین آن‌ها اظهار می‌کردند که در شهر محل دانشگاه و محیط‌های ناشناس، چادر نمی‌پوشند. این همان عدم تطابق بین اهداف و وسایل می‌باشد که مرتن مطرح کرده است. درواقع فرد، در شهر محل زندگی چادر می‌پوشد که مورد قضاوت قرار نگیرد و از هنجارها تخطی نکرده باشد ولی پوشش چادر را فی‌نفسه دارای ارزش نمی‌داند. می‌توانیم بگوییم برجسته‌ترین وجه نظریه مرتون که با بحث مشکلات و آسیب‌های زندگی خوابگاهی تطابق می‌کند شعائر گرایی است (رد هدف و ادامه طرفداری از ابزار، مثل آیین‌های مذهبی که در آن از اهداف و ارزش‌های حقیقی آن خبری نیست). نتایج تحقیق پاشایی (۱۳۹۸) نیز بیان می‌کند یکی از ویژگی‌های جامعه ایران وزندگی خوابگاهی، شعار محوری و افکار کوتاه‌مدت است.

یکی از عواملی که در افزایش دل‌بستگی به مکان نقش دارد، عامل زمان یا طول مدت سکونت است (بونیتو[1]، ۱۹۹۹). مقولات استخراج‌شده نشان داد وقتی افراد در شهر محل زندگی و در کنار خانواده هستند به علت کنترل خانواده و بایدها و نبایدهای اجتماعِ محل زندگی، کمتر دچار آسیب‌های اجتماعی می‌شوند. باوجود مشکلات موجود در خوابگاه، اکثر نمونه‌های موردمطالعه، زندگی خوابگاهی را بر زندگی با خانواده و شهر محل زندگی ترجیح می‌دهند. این بخش از یافته‌ها با نتایج تحقیق میرحیدری و عطایی (۱۳۹۸) همسو است. بنا بر یافته‌های آنان، فرصت‌های ناشی از زندگی خوابگاهی بیشتر از تهدیدهای آن است و از نگاه دانشجویان، زندگی در خوابگاه باوجود مشکلات و آسیب‌های آن، نهایتاً تجربه مفیدی است. درحالی‌که نتایج تحقیق سراج زاده و همکاران (۱۳۹۷) نشان می‌دهد به دلیل وجود مشکلات فرهنگی و اجتماعی حس تعلق به خوابگاه پایین است و دانشجویان رضایت کمتری از زندگی در خوابگاه ابراز کرده‌اند.

خانواده سهم زیادی در تربیت و جامعه‌پذیری اولیه افراد دارد. دختران نیز دوران حساس زندگی خود را به لحاظ عاطفی و احساسی در خوابگاه و دانشگاه می‌گذرانند. با توجه به نظریه دل‌بستگی، اگر فرزندان با خانواده رابطه

[1] Bonaiuto

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1398.11.2.2.4]

خوبی داشته باشند و در کنار آن‌ها احساس ایمنی و آرامش کنند و بتوانند همه مسائل و اتفاقات پیش‌آمده خود را با آن‌ها در میان بگذارند، در همان ابتدا که دچار هرگونه آسیب اجتماعی می‌شوند، می‌توانند برای رفع آن از خانواده کمک بگیرند و یا اینکه مانع به وجود آمدن مشکلات اجتماعی شوند؛ ولی اگر رابطه دختران با خانواده، رابطه‌ای سرد باشد و نتوانند با خانواده احساس اطمینان کنند، این امر منجر به احساس افسردگی و تنهایی می‌گردد و این سرآغاز مشکلات اجتماعی متعدد است. چنان‌که مصاحبه‌شوندگان تأکید کردند که بسیاری از تفریحات، برنامه‌ها و عادات خود را با خود به خانه نمی‌برند و بسیاری از مشکلات خود را با خانواده مطرح نمی‌کنند. با توجه به شکاف به وجود آمده در بین دانشجویان و خانواده‌ها، ترجیح زندگی خوابگاهی برای دختران دانشجو، چندان دور از تصور نیست.

دوست و هم‌اتاقی، عنصر اساسی در تغییر رفتارها و نگرش‌های فرد در زندگی خوابگاهی است. ازآنجاکه دختران دانشجو ساعات زیادی را با دوستان و هم‌اتاقی‌های خود می‌گذرانند به میزان زیادی بر اطرافیان تأثیر می‌گذارند و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند. تحقیقات نشان داده است که محیط زندگی و تغییراتی که در آن رخ می‌دهد یکی از عوامل تعیین‌کننده حالات روحی و عاطفی افراد است (بیلز[1]، ۲۰۰۱). تجربه زندگی در خوابگاه فقط شامل خطرات و پیامدهای منفی نیست، بلکه زندگی در محیط دانشگاه، خود باعث پیشرفت تحصیلی می‌شود (ویلز[2]، ۱۹۸۵). با توجه به نظریات ساترلند (۱۹۳۹) بعضی از محیط‌ها زمینه برخی فعالیت‌های غیرقانونی را فراهم می‌کند. پیوند نظریه او با بحث آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی خوابگاه در این است که وقتی افراد در کنار خانواده و محیط‌های کوچک زندگی می‌کند، به دلیل کنترل خانواده و محیط، کمتر مرتکب فعالیت نابهنجار می‌شوند ولی زندگی در کنار دوستان در محیط خوابگاه، موجب یادگیری اجتماعیِ رفتارهای دیگران اعم از رفتارهای بهنجار یا نابهنجار می‌گردد. یکی از نقاط اساسی مورد تأکیدِ ساترلند (۱۹۳۹) در بحث یادگیری، دوستان صمیمی است. در بسیاری از مصاحبه‌ها، مصاحبه‌شوندگان بیان کرده‌اند که بیشتر الگوی های رفتاری‌مان برگرفته از الگوهای رفتاری جمعِ دوستانه است؛ به‌عنوان‌مثال یکی از مصاحبه‌شوندگان اشاره‌کرده است که با ورود به انجمن و همکاری با دوستان و دانشجویان پسر در انجمن، روحیه‌اش تغییر کرده است و «بسیار با جنبه تر و خوش‌برخوردتر» از گذشته شده است. همچنین تعداد قابل‌توجهی از دختران به این موضوع اشاره‌کرده‌اند که اگر هم‌اتاقی‌ها و دوستان اهل مطالعه باشند، ناخودآگاه آن‌ها نیز به سمت درس و مطالعه جذب می‌شوند درواقع این سبک زندگی تبدیل به فرصت می‌شود و بالندگی اجتماعی

[1] Beals
[2] Velez

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.2008800.1398.11.2.2.4]

یکی از دستاوردهای ایجاد جوامع یادگیری در خوابگاه است (آراسته، ۱۳۹۳). این بخش از یافته‌ها با تحقیق زائر و محمدی (۱۳۹۲) همسو است؛ چنانکه یافته‌های ما نیز نشان می‌دهد شرایط خوابگاهی همچون تراکم افراد در اتاق‌ها با پیشرفت تحصیلی دانشجویان مرتبط است. به‌طورکلی این بخش از یافته‌های تحقیق با تحقیق ابی و همکاران (۱۹۹۸) همسو است. به این معنا که وقتی افراد با تضادهای اخلاقی-فرهنگی و تفاوت در علایق، مجبور به زندگی در محیطی همچون خوابگاه هستند با مشکلات اجتماعی بسیاری مواجه می‌شوند.

در سالیان اخیر فراگیر شدن فضای مجازی در بروز آسیب‌های اجتماعی نقش پررنگی داشته است. میزان حجم اینترنتی ماهیانه‌ای که دانشگاه در اختیار دانشجویان گذاشته، بنا به اظهار نظرِ بیشتر مصاحبه‌شوندگان، باعث وابستگی به اینترنت و فضای مجازی شده است و نبود این حجم اینترنت ثابت در منزل، در کاهش مشکلات اجتماعی بی‌تأثیر نبوده است. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند که محیط خانه به دلیل نبود اینترنت باعث خستگی و کسلی می‌شود و تعدادی بیان کرده‌اند که نبود اینترنت ثابت، باعث افزایش تعاملات با خانواده شده است. این بخش از یافته‌های پژوهش با تحقیق نادر نژاد و همکاران (۱۳۹٤) همسو است. در پژوهش مذکور نیز به اثرات منفی فضای مجازی ازجمله کاهش روابط و تعاملات با اعضای خانواده و وابستگی به فضای مجازی اشاره‌شده است. وابستگی به فضای مجازی، موجب هدر رفت زمان و اوقات فراغت افراد می‌شود، درحالی‌که مدیریت اوقات فراغت می‌تواند به عضویت افراد در انجمن‌ها، افزایش تعاملات و ارتباطات اجتماعی، افزایش نشاط و کسب تجارب جدید بیانجامد.

مقوله تضاد عقیده با اعضای خانواده و تناقض سنت‌ها با جامعه امروزی، نشان می‌دهد که وابستگی به فضای مجازی و استفاده بیش‌ازحد از این فضا، موجب گسست بین دختران دانشجو و محیط اجتماعی‌شان شده است و کارکرد و نقش خانواده را به‌عنوان واحد نظارتی دچار اختلال کرده است. به نظر هیرشی (۱۹٦۹) کج‌رفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف گردد و هرچه افراد، کمتر وابسته، متعهد، درگیر و معتقد باشند، پیوندشان با جامعه سست‌تر و احتمال کج‌رفتاری بیشتر خواهد بود.

«دوگانگی پیامدهای مثبت و منفی تجربه زندگی خوابگاهی» به‌عنوان مقوله‌ای مستخرج از یافته‌های این پژوهش، نشان می‌دهد که علی‌رغم پیامدهای مثبتی که این سبک زندگی در ابعاد فردی برای دانشجویان دختر به همراه داشته است، این افراد فشار مضاعفی را برای انطباق زندگیِ خوابگاه با شرایط زندگی در محل سکونت متحمل می‌شوند. مقوله «مدیریت خود در شرایط متناقض» استراتژی دانشجویان برای انطباق خودبین دو سبک زندگی متفاوت است، اما اثر مثبتی در رفع چالش‌های موجود بین این دو سبک زندگی نداشته و صرفاً منجر به ایجاد شخصیت نمایشی و کم شدن تعاملات این افراد با اعضای خانواده‌شان شده است. در مقایسه با نتایج تحقیق استردا و همکارانش (۲۰۰۸)

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1398.11.2.2.4]

که معتقد است خوابگاه‌های دانشجویی موقعیت مناسبی برای رشد فردی و اجتماعی دانشجویان فراهم می‌کند و سعیدی و اسماعیل‌زاده (۱۳۸۹: ٤٤) که معتقدند اگر این فضا نتواند به‌اندازه کافی رضایت‌بخش باشد، نمی‌تواند حس مسئولیت‌پذیری در کسب دانش و موفقیت را به تجربه دانشجویان بیفزاید، می‌توان گفت سیستم مدیریت خوابگاه‌های دانشجویی باوجود دارا بودن موقعیت مکانی و پتانسیل انسانی، در جهت رشد شخصیت و افزایش حس مسئولیت‌پذیری و کسب تجارب مفید میان دانشجویان، موفق عمل‌نکرده‌اند و دانشجویان دختر در انطباق با دو سبک زندگی متفاوت، رفتاری دوگانه در پیش‌گرفته‌اند. باید توجه داشت که ترجیح زندگی خوابگاهی نمی‌تواند یک انتخاب دائم برای ادامه مسیر زندگی این افراد باشد، آن‌ها به‌واسطه برگشت به محل سکونت خود در پایان دوران تحصیل، ازدواج و اشتغال مجدداً وارد سبکی از زندگی خواهند شد که با سبک زندگی خوابگاهی قابل انطباق نیست و طبیعتاً در آینده آن‌ها را دچار مشکل خواهد کرد.

جامعه در حال گذارِ ایران، جامعه‌ای است که یک پای آن در سنت و پای دیگر آن در مدرنیته است. خانواده به‌عنوان دیرپاترین نهادِ نماینده‌ی ارزش‌های سنتی، در جهت تداوم این ارزش‌ها عمل می‌کند و دانشگاه هم به‌عنوان نهاد جدیدی که در حدود یک‌صد ساله‌ی اخیر در کشور ما سر برآورده است، جایگاه ارزش‌ها و هنجارهای جهان متجدد شده است. ارزش‌های مورد تأکید این دو نهاد (خانواده و دانشگاه) در بسیاری از موارد، متفاوت از هم و گاهی نیز در تضاد باهم است. در دهه اخیر با فراگیر شدنِ رسانه‌های جمعی و به‌ویژه فضای مجازی، آگاهی از سبک‌های زندگی در سایر نقاط جهان نیز به‌شدت افزایش‌یافته است. ارزش‌های جهان جدید مانند استقلال در زندگی، انتخاب آزادانه سبک زندگی و روابط دوستی میان دو جنس، طبیعتاً در فضای دانشگاه بیشتر از خانواده بروز می‌کند. از طرف دیگر ارزش‌های سنتی در نهاد خانواده و اجتماعِ محلی، دختران را بیشتر از پسران تحت نظارت و کنترل قرار می‌دهد. در چنین زمینه‌ای است که مقوله محوری تحقیق حاضر یعنی «مدیریت خود در شرایط متناقض» در مورد تجربه زندگی خوابگاهی دختران دانشجو در مقایسه بازندگی با خانواده معنا می‌یابد.

پیشنهادها

مقولات و مفاهیم استخراج‌شده از یافته‌ها نشان‌دهنده شکاف عاطفی میان فرزندان و والدین و عملکرد نه‌چندان موفق مدیریت خوابگاه‌های دانشجویی در زمینه کسب تجارب مفید و مسئولیت‌پذیری دانشجویان است. طبیعتاً با توجه به تجربه تناقضِ یادشده در بخش یافته‌ها توسط دخترانِ دانشجو، باید پیشنهادات معطوف به سازگاری و نزدیک شدنِ دو سبک زندگی خوابگاهی و خانوادگی باهم باشد به‌نحوی‌که وجوه مثبت هرکدام از این دو فضا در دیگری تقویت گردد

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.2008800.1398.11.2.2.4]

و وجوه منفی این فضاها نیز اصلاح شود؛ بنابراین پشنهادات در دو حوزه بهبود روابط فرزند و خانواده و تغییر شیوه مدیریت فضای فیزیکی و پتانسیل انسانی در خوابگاه‌های دانشجویی ارائه می‌شود.

۱- جلب بیشتر مشارکت‌های اجتماعی دانشجویان در فعالیت‌ها و امور دانشگاهی و خوابگاهی می‌تواند در کسب مهارت، بهبود تعاملات و ارتباطات اجتماعی آن‌ها تأثیرگذار باشد. اصلاح سبک زندگی دانشجویی در جهت انطباق بیشتر با وجوهِ مثبت و مفیدِ سبک زندگی خانوادگی و محیط اجتماعی، نیازمند فعال‌سازی مشارکت دانشجویان در خوابگاه‌های دانشجویی است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود مدیریت خوابگاه‌های دانشجویی نسبت به تنظیم آیین‌نامه و تشکیل انجمنی متشکل از دانشجویان ساکن خوابگاه اقدام کند تا این انجمن با فعالیت‌هایی از قبیل آموزش زندگی خوابگاهی، انجام فعالیت‌های گروهی، اجرای برنامه‌های تفریحی و فرهنگی، برگزاری کارگاه‌های عملی حل مسئله، برگزاری جلسات نقد و خوانش کتاب و مقالات مرتبط با مشکلات خوابگاهی به‌طور منظم، برگزاری نمایشگاه معرفی تازه‌های کتاب و دستاوردهای دانشجویی، آشنا کردن سایر دانشجویان و اساتید و کارکنان آموزشی با مشکلات سبک زندگی خوابگاهی در جشنواره سالانه "حرکت " دانشجویی و چاپ بروشورهای آموزشی، بتواند با ایجاد آگاهی در دانشجویان، تجربه زندگی خوابگاهی را برای آن‌ها هر چه بیشتر مثبت، مفید و فاقد تناقض سازد.

۲- همان‌طور که اشاره گردید خانواده مهم‌ترین نقش را در تربیت و جامعه‌پذیری اولیه افراد دارد. با توجه به مقولات استخراج‌شده از این پژوهش ازجمله وجود شکاف عاطفی و شناختی میان فرزندان و والدین، لازم است بر بهبود رابطه فرزندان و خانواده خصوصاً در نوجوانی تأکید شود. در این راستا پیشنهاد می‌شود آموزش‌های مستقیم و رسمی یا غیررسمی پیش از زمان ورود جوانان به دانشگاه‌ها، از طریق نظام آموزش‌وپرورش اعمال گردد. این فعالیت‌ها می‌تواند شامل این موارد باشد: تدوین محتواها و فعالیت‌های آموزشی معطوف به ایجاد روابط صمیمانه میان فرزندان و والدین در مدارس، تدوین کارگاه‌های عملی شناخت روحیات نوجوانان و نحوه ایجاد روابط صمیمانه از طریق انجمن‌های اولیا و مربیان مدارس، آموزش‌های غیررسمی از طریق رسانه‌ها مانند ساخت و نمایش تبلیغات کوتاه تلویزیونی حاوی پیام‌های آموزنده، ساخت مستند، تئاتر و نمایش، فیلم یا برنامه‌های آموزشی با حضور کارشناسان خبره باهدف ایجاد روابط صمیمانه و نزدیک میان فرزندان و والدین.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1398.11.2.2.4]

منابع

- آراسته، حمیدرضا (۱۳۹۳) دستاوردهای ایجاد جوامع یادگیری در خوابگاه های دانشجویی. آموزش عالی ایران، ٦(۲). ۱-۱۹.
- آقا بخشی، حبیب (۱۳۷۸). اعتیاد و آسیب‌شناسی خانواده رویکرد مددکاری اجتماعی به مسائل و آسیب‌های جامعه‌ای. چاپ اول، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- انواری، زهره (۱۳۹۷) حس تعلق به خوابگاه؛ مطالعه موردی دختران دانشگاه‌های دولتی شهر تهران. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۱(۲)، ۱۰۵-۱۳۱.
- پاشایی، حمید (۱۳۹۸). آسیب‌های سبک زندگی دانشجویی و راهکارهای برون‌رفت از آن‌ها. اولین همایش زندگی دانشجویی فرصت‌ها و آسیب‌ها با تأکید بر دانشجویان ساکن سراهای (خوابگاه‌های) دانشجویی، همدان، دانشگاه بوعلی سینا.
- رابینگتن، ارل و واینبرگ، مارتین (۱۳۸۲). رویکردهای نظری هفت‌گانه در بررسی مسائل اجتماعی. ترجمهٔ رحمت‌الله صدیق سروستانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رفعت جاه، ماریا؛ رضایی، مزگان (۱۳۹۷). تحلیلی بر هویت فرهنگی دانشجویان دختر ساکن خوابگاه مطالعه‌ای تطبیقی در خوابگاه‌های دولتی و خصوصی شهر تهران. فصلنامه مطالعات اجتماعی- روان‌شناختی زنان، ١٦(٤)، ١٠٩-١٤٨.
- رفیعی، حسن (۱۳۸۷) مشکلات اجتماعی در اولویت ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۹(۱ و ۲)، ١٨٤-٢٠٨.
- رفیعی، حسن؛ مدنی، سعید؛ وامقی، مروئه (۱۳۸۰). مشکل اجتماعی: دستور کار نظام رفاه اجتماعی. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱(۱)، ۳۳-۳۵.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۲). نظریهٔ جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی. چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی.
- زائر، لیلا؛ قائدمحمدی، محمدجواد (۱۳۹۲). مشکلات اجتماعی-تحصیلی دانشجویان دختر (۲۹-۱۸ ساله) ساکن خوابگاه دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۱۲ از دید خود دانشجویان. نشریه پژوهش اجتماعی، ٦(۱۸)، ۱۷۹-۲۰۸.
- ستار، فریده (۱۳۹۵). چالش‌های زندگی دانشجویی در خوابگاه‌های خود گران در شهر تهران (با تأکید بر آسیب‌های اجتماعی). نشریه بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۷(۲)، ۳۱۱-۳۳۸.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1398.11.2.2.4]

- سراج زاده، سید حسین؛ حبیب‌پورگتابی، کرم (۱۳۹۷) کیفیت زندگی خوابگاهی دانشجویان دختر دانشگاه‌های دولتی ایران. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۱(٤)، ۱-۳۱.
- سعیدی، علی‌اصغر؛ اسماعیل‌زاده، خالد (۱۳۸۹) بررسی مسائل و مشکلات خوابگاه‌های دانشجویان دختر دانشگاه دولتی شهر تهران. نشریه زن و بهداشت، ۱(۱)، ٤۳-۸۸.
- شجاع نوری، فروغ الصباح؛ شکری، فرزانه (۱۳۹۲) شناسایی و طبقه‌بندی مشکلات و آسیب‌های زندگی دانشجویان دختر غیربومی. نشریه مهندسی فرهنگی، ۸(۷۷)، ۱٤٥-۱٦۸.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی اجتماعی. چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.
- عطایی، پری؛ میرحیدری، اشرف (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی عوامل اجتماعی سکونت در سرای دانشجویی (موردمطالعه: دانشجویان دانشگاه فرهنگیان اصفهان). اولین همایش زندگی دانشجویی فرصت‌ها و آسیب‌ها با تأکید بر دانشجویان ساکن سراهای (خوابگاه‌های) دانشجویی، همدان، دانشگاه بوعلی سینا.
- فروتن، حسن (۱۳۸۹). تعیین میزان تأثیرپذیری فرهنگی دانشجویان خوابگاه‌های آموزشکده‌های فنی استان اصفهان سال تحصیلی ۱۳۸۱-۱۳۸۸. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی.
- فلیک، اووه (۱۳۹۷). درآمدی بر تحقیق کیفی. مترجم هادی جلیلی. چاپ نهم، تهران: نشر نی.
- کریم پور، مهرداد (۱۳۸٦). طراحی خوابگاه‌های دانشجویی در منطقه ۲۲ تهران. پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه تهران.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. چاپ بیست و دوم، تهران: نشر نی.
- لاجوردی، سارا (۱۳۸۳). ارتباط بین سبک‌های دل‌بستگی و گرایش به سوءمصرف مواد در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. کارشناسی ارشد. رشته روان‌شناسی بالینی. دانشگاه رودهن.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۱) انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها. چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار
- نادرنژاد، بهزاد؛ رسمی، پویا؛ رضایی، نثار؛ ساعدی، سارا (۱۳۹٤). شناسایی آسیب‌های اجتماعی دانشجویان دختر خوابگاهی با تأکید بر استفاده آنان از شبکه‌های اجتماعی. ششمین همایش سرتاسری آسیب‌های پنهان زیست دانشجوئی، کردستان، جهاد دانشگاهی واحد کردستان.
- نوری، ربابه (۱۳۸۹) خانواده و دانشجو. چاپ اول، دانشگاه تهران، تهران.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1398.11.2.2.4]

- Abe, J., Talbot, D. M., & Geelhoed, R. J. (1998). Effects of a peer program on international student adjustment. Journal of College Student Development, 39(6),539-547.
- Bechtel, R. (1977). "Enclosing Behavior." Stroudsburg, Pa.: Dowden. Hutchinson and Ross.31(1), 192-197.
- Berliner, L. E., D. (2002). "extual abuse of children the APSAC handbook on child Maltreatmenth." thousand Oars, CA: sage(2nd ed).55-78.
- Bonaiuto M, Aiello A, Perugini M, Bonnes M, Ercolani AP (1999). Multidimensional environment quality and neighbourhood attachment, Urban Environment,19(8),331-352.
- Estrada, C. A. G., Gomez, R.V., Maniti, H.S., Polliente, K.B. & Reynoso, L.B (2008). "The Academic Constaints of Students Living in Dormitories." The Faculty of Language and Literature Department Institute of Accounts and Finance Far Eastern University Sampaloc, Manila.7,1-36.
- Everett, D. & Z. Loftus (2011). “Resident Assistants as Rule Enforcers versus Friends: An Exploratory Study of Role Conflict”. The Journal of College and University Student Housing, 37(2),72-89.
- Manly, J. T., Kim, J. E., Rogosch, F. A. & Cicchetti, D. (2002). "Dimensions of child maltreatment and childrens adjustment." Dvelopmental and psychoputhology,13(4),759-782.
- Velez, W. (1985). “Finishing college: The effects of college type”. Sociology of Education,58(3).191-200.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1398.11.2.2.4]